

خاطرات یک ناخرای گیر افتاده پشت دروازه تنگه هرمز

گیراق (۱)

فارسا فیروزهر

نیازی به یادآوری نیست که مدتی است تنگه هرمز مهم ترین نقطه جهان شده است و حتما خبرهایش را پیگیری می کنید. از یک طرف ترامپ ادعا می کند خودش تنگه را بسته است و از یک طرف ما می دانیم که زر می زند و خودمان تنگه را بسته ایم. برای همین روزنوشت های یک ناخدای مستقر در تنگه را با هم مرور می کنیم تا سیه روی شود هر که در او غش باشد.

پنجه

۱۱ مهر ۱۴۰۵ / شماره ۱۸۳

۴

ذکر خیر عمه ترامپ

امروز توی ماهواره دیدم ترامپ گفته تنگه هرمز بازه. به بچه ها گفتم بادبان ها رو بکشین و سریع بریم که رد بشیم. گازش رو گرفتیم و رسیدیم دم در تنگه. دیدیم بسته ست. از درونش پرسیدیم جریان چیه؟ گفت ایران هنوز اجازه نداده تنگه باز بشه. گفتیم پس این یارو ترامپ چی گفت؟ پوزخند زد و گفت برای خودش و عمه ش گفته. کی فکرش رو می کرد یه زمانی توی خلیج فارس ذکر خیر عمه رئیس جمهور آمریکا بشه؟ دنده عقب گرفتیم و برگشتیم پارکینگ، لنگر رو انداختیم.

ضایعات تنگه هرمز

پسر صبح جمعه خواب بودیم که با سروصدای شدیدی از جا پریدیم. بچه ها هول شدن و آژیر آماده باش زدن. بعد که به خودمون اومدیم، دیدیم یک لنج کنار ناو مانگه داشته و توی بلندگو یه چیزایی می گه. به مترجم گفتم ترجمه کن. متأسفانه نتونست و نفهمید طرف چی می گه. با ادا و اشاره بهش فهموندیم که چی می گه؟ یکپهو لحنش عوض شد و گفت ضایعاتیه و دنبال آهن قراضه، آلومینیوم، رویی کهنه، پلاستیک، لاک، آب گرم کن، بخاری، ناو سوراخ، زهپاد اورا قی و... است. گفتیم برو خدا روزی ت رو جای دیگه بده، کله سحر جمعه.

سواری در خلیج فارس

بچه ها خسته شده بودن از اینکه چند وقته بیکار نشستن. حالا خوبه بار ما خراب شدن نیست. یه عده از همکارا بارهای تاریخ مصرف دار زدن و برای همین استرسی شدن از بسته بودن تنگه هرمز. گفتیم یه حرکتی بزنیم که بچه ها هم تحرک داشته باشن و حوصله خودمون هم سر نره. قرار شد مسابقات شیرجه برگزار کنیم. هنوز چند دقیقه از شروع بازی نگذشته بود که دیدیم یک سواری از دور به کشتی ما نزدیک می شه. اول ترسیدیم نکنه قایق نظامی باشه! بعد گفتیم شاید کوسه سریع السیر نسل جدید باشه. ولی نزدیک که شد، دیدیم چند جوون ایرانی هستن که سوار بر نهنگ، خیلی شاد مشغول دریانوردی بودن. آدم از کار این ایرانی ها سردر نمی آره.

گل برای گل

باز ترامپ گفت تنگه بازه. دوباره نزدیک بود گول بخوریم و موتور رو روشن کنیم، ولی خوب شد قبلش استعلام کردیم. گفتن نه بابا، بسته ست. نمی دونیم چرا جرت می گه. شاید هم منظورش یه تنگه دیگه ست. اصلا شاید نمی دونه تنگه هرمز کجاست و فکر می کنه یه رودخونه توی نیویورکه. به هر حال هنوز تنگه هرمز بسته ست و تنگه ترامپ بازه! بچه ها داشتن کف عرشه رو طی می کشیدن و زنجیرای لنگر رو برق می نداختن و سوراخای بادبانا رو روفو می کردن، دیدیم یک قایق موتوری اومد. دست فروش بود. می گفت کنگر تازه داره، برای اونایی که لنگر انداختن. از وقتی اینجا پارک کردیم، صد مدل مزاحم و سنجی و شیشه پاک کن و فال گیر و گدا و فروشنده آدامس و گل فروش و گل فروش (دو مدل گل داریم) و اینا اومده بودن، ولی کنگر فروش تازه بود.

آقا غلط کردیم، باز این بریم

چندین روزه اینجا گیر افتادیم. نه راه پس داریم و نه راه پیش. هی ترامپ می گه تنگه بازه و می ریم جلو، ولی می بینیم بسته ست و برمی گردیم عقب. ما هیچی، می ترسیم آخرش تنگه هرز بشه این قدر که باز و بسته می شه. حالا خوبه بار ما خراب شدن نیست. طفلی اون کشتیایی که نگران کیک زدن و بوگرفتن و خشک شدن و زنگ زدن و... بارشون هم هستن. با مسئولای کشورمون تماس گرفتیم و در آخر قرار شد یک نامه به نهاد مدیریت عبور و مرور تنگه هرمز بزنیم و بخوایم که راه ما رو باز کنن. منتظریم که پاسخش بیاد. کاش بذارن فقط ما بریم... والا غلط کردیم.

داداش من دارم خواب می بینم یا بیدارم؟ تنگه هرمز باز شد؟ بالاخره سوخت ارزون می شه؟

کشتی داره پرواز می کنه! خودت چی فکر می کنی؟ خوابی یا بیداری

کارتون: شهرام شیرزادی

به این قانون ساده فیزیک پی نبرده اند که برای جاشدن یک ماده در یک محفظه، ابتدا باید محتوای قبلی تخلیه شود؛ در نتیجه از دو جهت مخالف به یکدیگر فشار وارد می کنند. پیشنهاد می دهیم به این پدیده نادر، هم جوشی هسته ای انسانی گفته شود!

بر اساس گزارش های ما، مهم ترین انگیزه این خشونت بدوی، اشغال قطعه هایی ابرمانند به نام «صندلی» است. گویی هرکس زودتر نشیمنگاه خود را روی این اسفنج ها قرار دهد، تا پایان عمر از هرگونه رنج بشری معاف خواهد شد. سرعت عمل برخی از این زمینی ها برای شیرجه زدن به سمت صندلی های خالی به حدی بالاست که رکورد پرش طول در کپکشان ما را جابه جا کرده است. اما بخش بسیار تماشایی ماجرا زمانی رخ می دهد که موجوداتی ضعیف تر، مانند سال خوردگان در آستانه

از: تیم تحقیقاتی زمین

به: فرمانده عزیز سیاره زتا در کپکشان راه شیری

طبق تازه ترین مشاهدات میدانی ما، گونه دویای این سیاره، هنگام مواجهه با سازه های فلزی بزرگ و متحرکی به نام «اتوبوس»، دچار یک اختلال شدید مغزی و فروپاشی کامل استانداردهای رفتاری می شوند. این وسیله نقلیه برای انتقال دسته جمعی طراحی شده، اما در عمل شبیه به یک میدان آزمون بقا در جوامع بشری عمل می کند. به محض نزدیک شدن اتوبوس به سکوی انتظار، نوعی شوک آدرنالین به جمعیت وارد می شود که مغز آن ها را روی حالت «حمله همه جانبه» قفل می کند. مسافران داخل اتوبوس که قصد خروج دارند، با دیواری نفوذناپذیر از مسافران منتظر در بیرون مواجه می شوند. برخی از این زمینی ها هنوز

فرهنگ شهروندی

فرزانه زینلی

گزارش طبقه بندی شده شماره ۸۹-زتا

عملیات نجات!